مجلة پژوهشي دانشگاه اصفهان (علوم انساني)
جلد بيستم ـ شماره ۱ ـ سال ۱۳۸۵
صص ۷۴-۴۷

اولويت بندي بحران در سكونتگاههاي روستايي (با روش AHP) (مطالعة موردي : دهستان بازفت)

مسعود تقوايي* و سيد رامين غفاري**

چكيده

شناسايي و تعيين درجه بحران به لحاظ جميع عوامل زيست محيطي از جمله مباحثي است كه امروزه بعنوان گامي مهم در فرآيند برنامه ريزي و كليد نيل به اهداف كمي توسعه و عمران روستايي محسوب مي شود. بر اين اساس در اين مقاله پس از ارايه كلياتي از ساختار محيط طبيعي و خصيصه هاي اقتصادي ـ اجتماعي و فرهنگي منطقه مطالعاتي (دهستان بازفت)، الگويي تحت عنوان فرآيند تحليلي سلسله مراتب يا (AHP) به منظور اولويت بندي بحران در سكونتگاههاي روستايي ارايه شده است. سرانجام به كمك اين روش علمي و پس از تعيين شدت و ضعف بحران در ابعاد مختلف طبيعي ـ اقتصادي و اجتماعي، ضمن دسته بندي نقاط روستايي در سه گروه پايدار، نيمه پايدار و ناپايدار، پيشنهادهايي در مورد كاهش بحران و پايداري بيشتر هر يك از سكونتگاههاي منطقه مورد مطالعه ارايه شده است.

* گروه جغرافياي دانشگاه اصفهان
** دانشجوي دكتراي جغرافيا و برنامه ريزي روستايي دانشگاه اصفهان

Archive of SID
www.SID.ir

واژه‌هاي كليدي: سكونتگاههاي روستايي، بحران، فرآيند تحليلي سلسله مراتبي، توسعه، برنامه‌ريزي، جايگزين، اولويت‌بندي، شاخص (سنجه)

Precedency of Crisis in Rural Settlements Using AHP Method: A Case Study of Rural District of Bazoft

M. Taghvai* and S. R. Ghaffari**

*Department of Geography, University of Isfahan
**Ph.D. Candidate, University of Isfahan

Abstract

Recognition and determination of crisis degree is a subject which is now considered as an important step for the process of planning and is a key to attain the quantitative goals of rural developments for natural structure of environment and socioeconomic and cultural trait of a district. In this study, after introducing the village of Bazoft - the study area- including some natural, economic, social and cultural features, an attempt is made to present a model under caption of analysis hierarchy process (AHP) with the intention of crisis precedency at rural settlements. Eventually by using this method and after determining the intensity and infirmity of crisis in different natural, economic and social dimensions, and categorizing the rural settlements into three groups - stable, sub-stabile and instable - some suggestions are made with regard to reducing crisis and increasing the stability of each district settlement.

Keywords: AHP, Crisis, Rural settlement

Archive of SID

مقدمه

سكونت گروههايي از اجتماعات انساني (بيشتر روستايي) در كانونهاي زيستي بحراني يا ناپايدار، به دليل ناآگاهي يا متأثر از الزامات طبيعي ـ اقتصادي و اجتماعي، نه تنها آنها را همواره در

www.SID.ir

معرض خطرات جاني ناشي از سوانح طبيعي و نابساماني‌هاي اقتصادي ـ اجتماعي خاصي، همچون تهيدستي و فقر، بيكاري و مهاجرت و فقدان بهره مندي از حداقل خدمات مناسب قرار داده، بلكه بعضاً اعتبار تاريخي و ارزش اقتصادي خود را براي تداوم در استقراري از دست داده اند.

از آنجا كه نقش و تأثير گذاري عوامل گوناگون محيط طبيعي و محيط مصنوع در ارتباط با نوع روابط حاكم و نيز سطح و نحوه بهره برداري از منابع طبيعي و با توجه به پويايي جوامع روستايي در گذر زمان قوت و يا ضعف مي پذيرد (سعيدي، ١٣٧٥ : ٣)، پس مقرها نيز ممكن است به مرور زمان اعتبار خود را از دست داده و بر اثر كنش انسانها تغيير يابند يا دستخوش انحطاط گردند (دولفوس، ١٣٧٣ : ٢٠). بنابراين در فرآيند برنامه ريزي توسعه روستايي اولويت بندي نقاط روستايي به لحاظ ميزان و درجه تأثير پذيري از بحرانهاي زيست محيطي از اهميتي ويژه برخوردار است، چرا كه بازخورد منفي حاصل از ناديده انگاشتن اين مهم نتيجه اي جز اتلاف منابع اقتصادي و انساني و در مواردي دامن زدن به ناپايداري و يا تشديد بحرانهاي موجود را در پي نخواهد داشت، همانگونه كه با مديريت صحيح و بهنگام بحران امكان حصول پايداري بيشتر فراهم مي گردد.

بر اين اساس در صفحات پيش رو سعي شده تا پس از ارايه شناختي اجمالي از ساختارهاي طبيعي و انساني منطقه مطالعاتي، به كمك مدل (AHP)[1] ، (فرآيند تحليلي سلسله مراتبي) ضمن بكارگيري مجموعه اي از ١٠ معيار يا سنجه طبيعي ، اقتصادي و اجتماعي و وزن دهي به هر كدام، نسبت به تعيين، تعريف و درجه بندي بحران (ناپايداري) در ٣٢ نقطه روستايي واقع در دهستان بازفت مبادرت گردد و سرانجام راهبردهايي جهت نيل به پايداري بيشتر و رفع بحران از كانونهاي نيمه پايدار و ناپايدار ارايه گردد.

طرح مسأله

فراواني حدوث سوانحي طبيعي، همچون سيل، زلزله، ريزش و رانش كوه، در مقر يا نشستگاه جغرافيايي برخي از نقاط روستايي مستقر در حوزه هاي مرتفع و كوهستاني كشور از جمله در پهنه مطالعاتي مورد نظر (دهستان بازفت) به گونه اي است كه تداوم در حيات اجتماعي ساكنينش را با نابساماني و بحران مواجه مي نمايد. همانگونه كه نرخ بالاي بيكاري و بي سوادي، ضعف ساختها و زير ساختهاي خدماتي، برون كوچي روز افزون و در نتيجه خالي از سكنه شدن

1. Analysis Hierarchy Process

Archive of SID

www.SID.ir

بسياري از نقاط و پهنه هاي روستايي مسكون از ديگر نمودهاي بحران يا سنجه هاي ناپايداري در ابعاد اقتصادي و اجتماعي نقاط و نواحي روستايي كشور بطور عام و پهنه مورد نظر به شكلي خاص مي باشد.

بحرانهايي كه مديريت و كنترل آنها در درجه نخست نيازمند حصول شناختي واقعي و ترسيم سيمايي روشن از ساختار مكاني- فضايي حاكم و بالطبع اولويت بندي و تعيين درجه بحران در ابعاد گوناگون مي باشد.

امري كه به واسطه آن نه تنها امكان هدايت معقول منابع و سرمايه هاي مادي و معنوي فراهم مي گردد، بلكه كليدي در نيل به توسعه پايدار با رويكرد عدالت مكاني- اجتماعي و اقتصادي نيز ارايه مي دارد.

اهداف

الف) شناخت، ارايه و طبقه بندي معيارها يا سنجه هاي طبيعي ـ اقتصادي و اجتماعي در نقاط روستايي منتخب به منظور تعيين سطح بحران يا ناپايداري به كمك روش (AHP) .

ب) هدايت معقول سرمايه گذاريهاي اقتصادي ـ اجتماعي و عمراني در هر يك از كانونهاي زيستي منطقه، از سويي و فراهم سازي زمينه هاي توسعه و عمران روستايي متعاقب تعيين وضعيت هر يك از نقاط روستايي به لحاظ سطح و ميزان بحران .

ج) مديريت نقطه اي و پهنه اي بحران در عرصه جغرافيايي مورد نظر و ارايه راهكاريهاي جهت كاهش اثرات ويرانگر ناپايداريهاي محيطي در نقاط روستايي نيمه بحراني و ثبات و پايداري بيشتر در سكونتگاههاي پايدار (فاقد بحران).

فرضيات

الف) نظر به نسبي بودن بحران، الزاماً سطح و ميزان بحران در يك بعد يا تمامي ابعاد (طبيعي ـ اقتصادي يا اجتماعي) به مفهوم يكسان بودن ميزان آن در ساير ابعاد نمي باشد.

ب) نقاط روستايي برخودار از اقتصادي بحراني (ناپايدار) به لحاظ اجتماعي نيز در وضعيت بحران به سر مي برند.

Archive of SID

www.SID.ir

ج) هر چند مقرّ جغرافيايي ناپايداربحراني مي تواند در ظهور و بروز بحرانهاي اقتصادي – اجتماعي مؤثر باشد، اما بعنوان تنها عامل اثر گذار محسوب نمي گردد، به عبارتي الزاماً نقاط روستايي ناپايدار به لحاظ طبيعي، به لحاظ اقتصادي– اجتماعي در وضعيت بحران به سر نمي برند و بلعكس.
د) با توجه به وضعيت زمين شناسي و توپوگرافي منطقه (شيب بالا و كوهستاني بودن)، انزواي جغرافيايي و ضعف زير ساختهاي اقتصادي – اجتماعي و ... درصد بالايي از نقاط روستايي مورد مطالعه در وضعيت نيمه پايدار (نيمه بحراني) و بحراني به سر مي برند.

روش تحقيق و منابع مورد استفاده

در مراحل تحقيق و تدوين مقاله ضمن انجام مطالعات ميداني و كتابخانه اي، از منابع و مأخذ آماري مختلفي استفاده شده است، چنانچه از شناسنامه آباديهاي سال ۱۳۷۵ و آمار و اطلاعات اخذ شده از برخي ادارات بعنوان مآخذ داده هاي كمي جهت تشريح و تحليل مقاله و نيز از نقشه هاي توپوگرافي ۱۰۰۰۰۰ : ۱ و ۲۵۰۰۰۰ : ۱ سازمان مديريت و برنامه ريزي استان بعنوان نقشه هاي پايه بهره برداري شده است. در ضمن با دو فرض ادغام تدريجي آباديهاي كوچك و خود جوش عشايري (داراي جمعيتي كمتر از ۵۰ نفر) در نقاط روستايي بسيار بزرگ و پر سابقه و نيز لحاظ ۵۰ نفر سكنه و بيشتر بعنوان حداقل آستانه جمعيتي لازم جهت ارايه حداقل خدمات روستايي (مانند آب و برق) در مقاله پيش رو ۳۲ آبادي برخوردار از جمعيتي معادل يا افزون بر ۵۰ نفر سكنه كه در مجموع ۵۳ درصد كل آباديهاي داراي سكنه دهستان بازفت مي باشند، بعنوان نمونه برگزيده و مورد تحليل و طبقه بندي قرار گرفته است. شايان ذكر است كه آباديهاي كوچك زير ۵۰ نفر سكنه عموماً از سابقه سكونتي چنداني برخودار نبوده و نيز فاقد توانهاي طبيعي و انساني قابل توجهي جهت ابقا و اسكان مي باشند و فقط به تبع قلمرو مراتع و به صورت مسكن موقت و ييلاقي عشاير كوچنده منطقه شكل گرفته اند.

اجمالي برموقعيت جغرافيايي، ساختارطبيعي، اجتماعي واقتصادي دهستان بازفت

موقعيت جغرافيايي

دهستان بازفت با مساحتي معادل ۱۲۸٤ كيلومتر مربع در شمال غربي استان چهارمحال و بختياري، شهرستان فارسان و بخش بازفت به مختصات ٤۹ درجه و ۳۰ دقيقه تا ۵۰ درجه و ۲۳ دقيقه طول شرقي و ۳۱ درجه و ۵۹ دقيقه تا ۳۲ درجه و ٤۵ دقيقه عرض شمالي استقرار يافته است.

Archive of SID

www.SID.ir

دهستان مذكور از جانب شرق و شمال شرق به دهستانهاي شوراب تنگزي و ميانكوه موگويي، از جنوب به دهستان دوآب، از شمال به استان لرستان و از غرب به خوزستان محدود مي گردد.

مركز اين دهستان روستاي چمن گلي در فاصله ٢١٤ كيلومتري غرب شهركرد (مركز استان) مي باشد. ٦٠ آبادي داراي سكنه و ٣١ آبادي خالي از سكنه مجموع سكونتگاههاي موجود در اين منطقه را تشكيل مي دهد.

ساختار طبيعي ـ اكولوژيكي

دهستان بازفت با متوسط بارش ساليانه اي حدود ١٣٠٠ ميلي متر درنواحي مرتفع و ٥٦٥ ميلي متر در نواحي پست و با ميانگين دمايي معادل ٣/٥ درجه، در پهنه اقليمي مرطوب و معتدل با زمستانهاي بسيار سرد قرار گرفته است (گزارش اقتصادي ـ اجتماعي استان، ١٣٨٠: ٥).

بازفت دهستاني محصور در دل ارتفاعات زاگرس با جهت شمال غرب، جنوب شرق و پهنه اي كاملاً كوهستاني است كه ٩٥ درصد از وسعت آنرا كوههاي مرتفع و نيمه مرتفعي تشكيل مي دهد كه زردكوه بختياري با ارتفاعي افزون بر ٤٢٢١ متر بعنوان بلند ترين قله زاگرس مهمترين چشم انداز طبيعي شرق منطقه مي باشد (غفاري، ١٣٧٩: ٤٦-٤٣).

رسوبات اين حوزه اغلب از دوران دوم وسوم زمين شناسي و از جنس كربناته بوده كه لايه هايي از مارن وماسه سنگ نيز در آنها ديده مي شود. با عنايت به زمين ساخت موجود، تعدد تاقديسها، ناوديسها، روراندگيها، گنبدهاي نمكي و گسلها (از جمله گسله فشاري زردكوه با طول ١٣٠ كيلومتر كه احتمال وقوع زلزله هايي با شدت بيش از ٤ تا ٤/٥ درجه را فراهم مي كند) (نقشه زمين شناسي شهركرد) بخش اعظمي از منطقه به لحاظ طبيعي در قلمروپي ناپايدار و نيمه پايدار قرار گرفته است كه احتمال وقوع سوانحي همچون زلزله، لغزش زمين و ريزش كوه را تشديد مي كند. رودخانه هاي جاري بر سطح ساختار فيزيكي مذكور (بازفت، تركي، لبد و ...) با شاخه هاي فرعي متعدد و منشعب از ارتفاعات پيرامون، عمده ترين نمود هيدروگرافيكي منطقه مي باشد كه در كنار چشمه هاي جوشان سرزده از سازندهاي آهكي و منابع كارستيك موجود، سيماي طبيعي خاصي به منطقه بخشيده است. شكل حوضه آبريز، نوسانات اقليمي (ترسالي- خشكسالي) شيب زياد و ... از جمله عواملي است كه خطر وقوع سيلابهاي فصلي را به ويژه در حريمهاي پيرامون جريانات فصلي و دايمي تشديد و تقويت مي كند. پوشش گياهي گسترده بر سطح منطقه از دو

Archive of SID

www.SID.ir

فرم گياهان جنگلي (بلوط، بادامستان، زبان گنجشك) و فرم مرتعي (شوخ، گون، سماق و ....) مي باشد، (سازمان مديريت و برنامه ريزي، ۱۳۶۹: ۱۸۳) كه هم اكنون به دلايلي همچون چراي مفرط، شخم و شيار، استفاده به منظور سوخت و ... در معرض تحديد جدي قرار گرفته است.

ساختار اجتماعي ـ جمعيتي

به طور كلي دهستان بازفت قلمرو دو ايل چهارلنگ بختياري در شمال (حوزه لبد) و هفت لنگ بختياري با هفت طايفه مختلف در محدوده مركزي و جنوبي دهستان مي باشد.

بر اساس آخرين نتايج حاصل از سرشماري عمومي نفوس و مسكن، جمعيت دهستان بازفت در سال ۱۳۷۵ معادل ۵۳۵۳ نفر گزارش شده است. نرخ رشد جمعيت در دهة ۷۵-۶۵ به طور محسوسي كاهش يافته و به ۲/۱- درصد در سال رسيده است كه مهمترين عامل آنرا مي توان در مهاجرفرستي منطقه به دلايلي چون ضعف خدمات، بيكاري، پايين بودن سطح درآمد و ... جستجو نمود. بعد خانوار و نسبت جنسي به ترتيب ۶/۳ و ۱۱۱ مي باشد. به لحاظ سواد از مجموع جمعيت ۶ ساله و بيشتر منطقه ۵۵/۲ درصد باسواد و بقيه بي سواد بوده اند(شناسنامه آباديهاي شهرستان فارسان، ۱۳۷۵). علاوه بر جمعيت ساكن در مجموع ۴۸۴۰ خانوار عشايري دوره ييلاق و ۳۶۳ خانوار دوره قشلاق خود را در اين دهستان مي گذارنند (سرشماري جامعه عشايري، ۱۳۶۶: ۸۳).

ساختار اقتصادي (اشتغال و فعاليت)

كشاورزي (دامداري و زراعت)، صنعت (به ويژه صنايع دستي) و خدمات به ترتيب مهمترين فعاليتهاي اقتصادي منطقه مي باشند.

آخرين آمار مأخوذه از مديريت جهاد كشاورزي شهرستان فارسان حكايت از اختصاص ۸۹/۳ درصد از مجموع۲۴۸۷/۶ هكتار سطوح زير كشت اين دهستان به كشت محصولات زراعي به ويژه گندم و جو (۵۲/۷% آبي و۴۷/۳% ديم) و ۱۰/۷ درصد به باغات دارد (جهاد كشاورزي فارسان، ۸۱-۸۰).

Archive of SID

www.SID.ir

مجموع دامهاي شمارش شده در اين دهستان معادل ٤٢٦٨٠٠ رأس دام كوچك و ١٠٥٠ رأس دام بزرگ مي باشد. ٩٦/٥ درصد از دامهاي موجود عشايري و تنها ٣/٥ درصد روستايي هستند (ادارة كل دامپزشكي استان چهارمحال و بختياري، ١٣٨٠).

پرورش ماهي و زنبور عسل نيز از ديگر فعاليتهاي بخش كشاورزي است كه با وجود پتانسيل بالاي منطقه در اين زمينه به صورت محدودي مشاهده مي شود. صنايع دستي و خانگي با اشتغال زنان و دختران مهمترين فعاليت صنعتي در منطقه مي باشد.

در بخش خدمات نيز واحدهاي اداري، خرده فروشيها و پروژه راه ملي بازفت موجبات اشتغال جمعيت محدودي را فراهم نموده است.

در مجموع و بر اساس آخرين آمار رسمي منتشره از ٣٥٣٨ نفر جمعيت ١٠ ساله و بالاتر اين دهستان ١٣١٦ نفر يا (٣٧ درصد) آن شاغل و نرخ بيكاري نيز ٤/١ درصد گزارش شده است (شناسنامه آباديهاي شهرستان فارسان،١٣٧٥) ،كه غالباً متأثر از اشتغال كودكان، نوجوانان و زنان در فعاليتهاي دامداري و صنايع دستي پايين آمده است.

فرآيند تحليلي سلسله مراتبي (AHP)

از اوايل دهه ٨٠ آنچه كه انديشمندان علم مديريت به آن توجه ويژه نمودند، در نظر گرفتن بيش از يك معيار يا گزينه براي هر مسأله و نيز مؤثر دانستن معيارهاي كيفي در كنار معيارهاي كمي در تصميم گيري ها بود. از اينرو محققي به نام توماس ال ساعتي[1] در دهة ٨٠ به منظور سيستماتيك نمودن تصميم سازي در شرايطي كه تلفيقي از معيارهاي كمي و كيفي مدنظر است و مديران علاقمندند نظرات و تجربيات شخصي خود را در تصميم اعمال نمايند، فرآيند تحليلي سلسله مراتبي را به عنوان يكي از شاخه هاي تصميم گيري چند شاخصه ابداع نمود (احمدي، ١٣٨٠: ٥).

اين روش در عمل براي برنامه ريزيهاي متعددي مثل برنامه ريزيهاي مربوط به نيروگاههاي برق، خط مشي هاي انرژي، انتخاب محلهاي استقرار واحدها و ... به كار گرفته شده است (مهندسين مشاور زيستا، ١٣٧٣: ٢).

1. T.Lsaaty

Archive of SID

www.SID.ir

اين تكنيك يكي از كاراترين مدلهاي تصميم گيري و برنامه ريزي چند شاخصه مي باشد كه علاوه بر اين ويژگيهاي خاصي را نيز بدان مي افزايد. يك مسأله زماني مي تواند يك تصميم گيري چند شاخصه باشد كه در شرايط زير صدق نمايد:
الف) داراي چند شاخص باشد ب) هدف، اولويت بندي گزينه‌ها يا انتخاب گزينه برتر از ميان چند گزينه باشد.

AHP ضمن رعايت اين اصول پنج ويژگي زير را نيز داراست :

۱ـ در اين فرآيند مسأله را مي توان به صورت سلسله مراتبي (رده اي) فرموله نمود. غالباً اين سلسله مراتب از سه سطح تشكيل مي شود: سطح اول هدف، سطح دوم شاخصها و سطح سوم گزينه ها (شكل شماره ۱) در شرايطي كه ضرورت دارد شاخصها به زير شاخصهايي شكسته شود به ازاي هر سطح از زير شاخصها، يك سطح به كل سلسله مراتب افزوده مي گردد.

۲ـ با توجه به اينكه ذهن انسان همزمان نمي تواند بيش از دو مورد را مورد مقايسه قرار دهد، بخصوص زماني كه قرار باشد شاخصها يا گزينه هاي متعددي را با هم مقايسه كند، در روش AHP، كليه مقايسات به صورت زوجي انجام مي شود تا تصميم گيرنده با سهولت و دقت بيشتري به مقايسه بپردازد.

۳ـ مدل مذكور يك سيستم پشتيباني خوب است، چراكه تمامي ويژگيهاي يك سيستم پشتيباني از تصميم را داراست.

٤ـ اين مدل ساختاري مناسب جهت همكاري و مشاركت گروهي در تصميم گيري ها يا رفع مشكلات فراهم مي كند، براين اساس مي تواند در كم وكيف تصميم مؤثر واقع گردد.

۵ـ و اينكه، اين مدل متأثر از ديدگاه پست مدرنيته شكل گرفته است، لذا براي ابعاد كيفي حاصل از داوريهاي شخصي (مسئولين، كارشناسان و ...) در فرآيند تحليل و طبقه‌بندي داده‌ها جايگاه والايي قايل است، در حالي كه عمده مدلهاي ابداع شده در مكتب مدرنيته بر ابعاد كمي تحليل، بدون دخالت انسان تأكيد دارند.

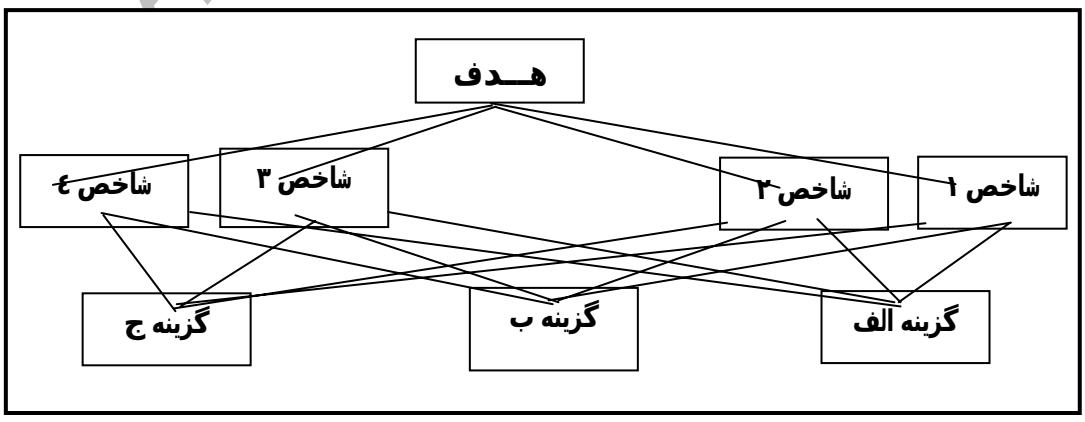

Archive of SID

www.SID.ir

شكل ۱ : سلسله مراتب

قدمهاي فرآيند تحليل سلسله مراتبي، با توجه به شكل شماره (۱) كه ساختار رده اي مسأله‌اي را با چهار شاخص و سه گزينه نشان مي دهد به صورت زير است:[۱]

گام نخست: تشكيل يك سلسله مراتب يا ساختار سلسله مراتبي براي مسأله، به گونه اي كه سطح يك را هدف، سطح دو را شاخصها و سطح سه را گزينه ها تشكيل دهند.

گام ديگر: وزن نسبي هر شاخص نسبت به هدف و وزن نسبي هر گزينه نسبت به شاخصهاي مربوط به خود محاسبه مي گردد؛ بدين صورت كه ابتدا وزن نسبي شاخصها (چهار شاخص موجود در سطح دوم) نسبت به هدف (سطح اول)،با استفاده از مقايسات زوجي ماتريسي كه توسط تصميم گيرنده، صورت مي گيرد بدست مي آيد (تصميم گيرنده، شاخصها را بر اساس مقادير توجيحاتي كه به مقادير كمي بين ۱ تا ۹ تبديل شده است، به صورت دو به دو مقايسه مي كند) و سپس وزن نسبي هر گزينه با استفاده از آمار اطلاعات موجود و بازهم بر اساس مقايسات زوجي، محاسبه مي گردد. آنچه وزن نهايي گزينه ها را مشخص مي كند، مجموع حاصلضرب وزن هر شاخص در وزن نسبي گزينه مورد نظر از آن شاخص است.

به عنوان مثال، در شكل شماره (۱) وزن نهايي گزينه الف، به صورت زير محاسبه مي گردد:

(وزن گزينه الف نسبت به شاخص i)× (وزن شاخص i) $\sum_{i=1}^{4}$ = وزن نهايي گزينه الف

۱ـ براي مطالعه بيشتر به منابع زير مراجعه فرماييد :

۱-۱-مهندسين مشاور زيستا ، منبع قبل

1-2. Richard E.Klosterman and others spread sheet models for urban and Regional analysis , New Jersey . 1993 Cchapter 17

Archive of SID

www.SID.ir

براي انجام محاسبات ماتريسي در ماتريس مقايسات زوجي، روشهاي مختلفي پيشنهاد شده است. انتخاب روشهاي محاسبه بستگي به سازگاري و يا ناسازگاري سيستم دارد. يك سيستم زماني سازگار است كه نسبتها در آن رعايت شده باشد، يعني اگر شاخص (۱) دو برابر شاخص (۲) و شاخص (۲) سه برابر شاخص (۳) اهميت داشته باشد، شاخص (۱) شش برابر (٦=۳×۲) شاخص (۳) اهميت داشته باشد.

گام سوم: ميزان ناسازگاري سيستم توسط الگوريتمي محاسبه مي گردد. در صورتي كه اين ميزان ناسازگاري از۰/۱ بيشتر باشد، بهتر است تصميم گيرنده در قضاوتهاي خود تجديد نظر كند. ناسازگار بودن تصميم، دقت محاسبات و تصميم گيري را كاهش مي دهد.

در ادامه با توجه به تشريح مختصر روش (AHP) از ده معيار مختلف: جمعيت، نرخ رشد، نرخ سواد، نرخ بيكاري، سطح خدمات،[۱] سيل، زلزله، زمين لغزه، ريزش كوه و شيب زمين كه حصول داده هاي كمي و اطلاعات آنها از اسناد و مدارك علمي و مستند و نيز بر اساس مطالعات محلي (نتايج تفصيلي سرشماري عمومي نفوس ومسكن سال ۱۳۷۵، پايان نامه كارشناسي ارشد نگارنده و ...) ميسر بوده است، جهت تعيين و تعريف كانونهاي بحراني استفاده شده است. ميزان اهميت و اولويت هر يك از مؤلفه هاي فوق با قياس جفت جفت آنها و بر اساس مقياس اندازه گيري اولويتهايAHP (جدول شماره ۱) تعيين شده و پس از تعيين وزن هر كدام از اين سنجه ها (معيارها) طبق روش ميانگين هندسي مقدار نرمال آن محاسبه شده است. جدول شماره (۲) يعني ماتريس داوري مقايسه هاي جفتي در حقيقت برآيند عمليات مربوطه تا اين مرحله را نشان مي دهد.

جدول ۱ : مقياس اندازه گيري اولويتهاي AHP

امتياز	معني	توضيح

(۱) جهت سطح بندي خدمات درنقاط روستايي روشهاي مختلفي از جمله روش ميزان سنج نهادي گاتمن مي توان استفاده نمود. جهت اطلاع بيشتر در خصوص نحوه سطح بندي خدمات در نقاط روستايي دهستان بازفت به منبع زير مراجعه شود : غفاري، سيد رامين ؛ همان (منبع قبلي) صص ۱٦۳-۱٦۰

Archive of SID

www.SID.ir

۱	اهميت يكسان	هر دو فعاليت اثر يكساني بر هدف خواهند داشت
۳	اهميت‌اندک‌يكي‌برديگري	تجربه يا داوري قوياً يكي را بر ديگري ترجيح مي دهد
۵	اهميت اساسي يا زياد	تجربه يا داوري قوياً يكي را بر ديگري ترجيح مي دهد
۷	اهميت به اثبات رسيده	در عمل، اولويت يكي بر ديگري به اثبات رسيده است
۹	اهميت فوق العاده زياد	اولويت‌يكي‌برديگري‌درحداكثرميزان‌مثبت‌خود قرار دارد
۸ و٦، ٤، ۲	امتيازات مياني نشان دهنده حالتهاي مياني هر يک از حالات مقايسه اي فوق است	

مأخذ: مشاور زيستا، ۱۳۷۳ : ۳

جدول ۲ : ماتريس داوري مقايسه هاي جفتي

شاخصهـــا	جمعيت	نرخ رشد	بيسوادي	نرخ بيكاري	سطح خدمات	سيل	زمين لغزه	ريزش كوه	زلزله	شيب	ضريب‌اهميت	ميانگين‌هندسي
جمعيت	۱	۲	٤	۱/۳	٤	۱/٤	۱/٦	۱/۵	۱/۳	۱/۲	۰/۰۵	۰/٦٦
نرخ رشد	۱/۲	۱	۲	۱/۳	۲	۱/۵	۱/۷	۱/٦	۱/٤	۱/۳	۰/۰۳	۰/٤٤
نرخ بيسوادي	۱/٤	۱/۲	۱	۱/٤	۱/۲	۱/۷	۱/۱۰	۱/۹	۱/٦	۱/۵	۰/۰۲	۰/۲۵
نرخ بيكاري	۳	۳	٤	۱	٤	۱/۳	۱/۵	۱/٤	۱/۲	۱	۰/۰۷	۰/۹۵
سطح خدمات	۱/٤	۱/۲	۲	۱/٤	۱	۱/٦	۱/۸	۱/۵	۱/۵	۱/٤	۰/۰۲	۰/۳۱
سيل	٤	۵	۷	۳	٦	۱	۱/۲	۱	۱	۲/۰٤	۰/۱۵	۲/۰٤
زمين لغزه	٦	۷	۱۰	۵	۸	۲	۱	۱	۳	۳/٦٤	۰/۲۷	۳/٦٤
ريزش كوه	۵	٦	۹	٤	۵	۱	۱	۱	۲	۳	۰/۲۰	۲/۷۳
زلزله	۳	٤	٦	۲	۵	۱	۱/۳	۱/۲	۱	۱	۰/۱۱	۱/۵۱
شيب	۲	۳	۵	۱	٤	۱/۲	۱/٤	۱/۳	۱	۱	۰/۰۹	۱/۱۷
جمع											۱	۱۳/۹٦

مأخذ: محاسبات نگارنده

Archive of SID

www.SID.ir

در گام بعدي وزن هر يك از طيفهاي مربوط به مؤلفه هاي انتخابي مشخص مي گردد. وزن هر يك از گزينه‌ها بر اساس تجربه و داوريهاي كارشناسي از ۰/۱ تا ۱۰ نوسان داشته است (جدول شماره۳).

جدول ۳ : داوري در مورد معيارهاي مربوطه

* جمعيت (تعداد)		نرخ رشد (درصد)		نرخ بي‌سوادي (درصد)		نرخ بيكاري (درصد)		سطح خدمات		سوانح طبيعي		شيب (درصد)	
طيف	وزن	طيف	وزن	طيف	وزن	طيف	وزن	طيف	وزن	طيف	وزن	طيف	وزن
۱-۴۹	۱۰	مثبت	۱	۰-۱۰	۰/۱	زير ۵	۰/۱	سطح يك	۰/۱	زياد	۱۰	زير۱۰	۰/۱
۵۰-۹۹	۸	۰- -۲	۳	۱۰-۲۰	۰/۱	۵-۱۰	۲	سطح دو	۱	متوسط	۵	۱۰-۱۵	۲
۱۰۰-۱۷۴	۵	۲- -۴	۶	۲۰-۳۰	۴	۱۰-۱۵	۴	سطح سه	۴	كم	۲	۱۵-۳۰	۴
۱۷۵-۲۴۹	۵	۲- -۶	۸	۳۰-۴۰	۶	۱۵-۲۰	۶	سطح چهار	۷			۳۰-۵۰	۸
۲۵۰-۳۷۴	۳	۶- و كمتر	۱۰	۴۰-۵۰	۸	۲۰-۲۵	۸	سطح پنج	۱۰			۵۰+	۱۰
۳۷۵-۴۹۹	۳			۵۰+	۱۰	۲۵+	۱۰						
۵۰۰-۹۹۹	۱												

*گفتني است به لحاظ اهميت جمعيت و نرخ رشد آن در تعيين اولويت بحران، وزن منظور شده براي سنجه هاي مذكور به صورت معكوس و براي ساير سنجه ها به صورت مستقيم منظور شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

مرحله پاياني كه در واقع تركيب اين دو وزن و رسيدن به وزن اولويتي واحد مي باشد، در خصوص تك تك آباديها اعمال شده و نتيجه حاصله همانا نقاط روستايي تعريف شده در سطح بحراني متفاوت (بدون بحران يا پايدار، نيمه بحراني يا نيمه پايدار و بحراني يا ناپايدار) مي باشد كه در ادامه مقاله مطرح مي گردد.

بحران و تعيين روستاهاي بحراني

بحران[1] به معناي تغييري ناگهاني است كه در جريان يك بيماري پديد مي آيد و صفت ويژه آن معمولاً بروز وخامت است. در معناي مجازي، شرايط و اوضاع يا دوراني خطرناك و فاقد اطمينان را مي رساند. بحران حالت و هم فرآيندي است كه با آن تعادل ناپديد مي شود و از انتقالي نسبتاً اجتناب ناپذير به سوي شرايط و اوضاعي ديگر خبري مي دهد(بيرو، ۱۳۷۵: ۷۳). غالباً بحران در مناطقي بوقوع مي پيوندد كه داراي ناپايداري در ابعاد اقتصادي، اجتماعي و طبيعي و ... باشد.

بعبارتي تغييرات ناگهاني كه در سيستمهاي طبيعي، سياسي، اقتصادي و اجتماعي مناطق بوجود مي آيد بحران ناميده مي شود (مقدسي، ١٣٦٧ : ٥).

بحرانها را در يك تقسيم بندي كلي به دو دسته : الف) بحرانهايي كه بشر در بوجود آوردن آنها نقشي ندارد، و ب) بحرانهايي كه به دست بشر بوجود مي آيند، مي توان تقسيم نمود (مقدسي، ١٣٦٧ : ٦).

بحران يك عبارت نسبي و بسيار ذهني است كه تنها در پرتو نيازهاي فردي يك سازمان و پيراموني كه آن سازمان را در خود فراگرفته است معني پيدا مي كند و در مقابل مديريت بحران يك شيوه كار براي رهايي از موقعيتهاي اضطراري و طرح ريزي براي رويارويي با موقعيتهاي گريز ناپذير است، به هنگامي كه پديد مي آيند و به اين منظور كه از پي آمدهاي زيان بار آنها كاسته شود (جان و رابرت، ١٣٦٧: ٧).

بر اين اساس و همانگونه كه در مباحث گذشته نيز ذكر شده در مقاله حاضر مجموعه بحرانهاي عارض بر منطقه به بحرانهاي طبيعي و بحرانهاي اجتماعي و اقتصادي بعنوان بحرانهاي انسان ساخت تقسيم‌شده‌اند كه در ادامه مصاديقي از هركدام نيز در ابعاد مورد نظر مطرح مي‌گردد.

1. crisis

Archive of SID

www.SID.ir

نقاط بحراني از ديدگاه طبيعي

به طور كلي ويژگيهاي خاص جغرافيايي – اكولوژيكي حاكم بر منطقه مطالعاتي از جمله توپوگرافي و شيب حاكم، گسترش وسيع مارنهاي سفيد آهكي پابده، تخريب پوشش گياهي و فرسايش شديد خاك، اقليم سرد كوهستاني و بروز پديده ژل و دژل، امتداد گسل ماكرو بازفت در طول منطقه و ساير گسله هاي فرعي و ... همگي موجبات ناپايداري و بروز سوانح طبيعي همچون لغزش، رانش، زلزله و سيل را فراهم نموده است. چنانچه مطالعات ميداني نشان مي دهد، اكثر كانونهاي سكونتي خود جوش عشايري به لحاظ مقّر جغرافيايي در معرض خطرات ناشي از بروز چنين سوانحي قرار دارند. علاوه بر اين كانونهايي نيز در وضعيت نيمه پايدار (نيمه بحراني) استقرار يافته اند كه در صورت عدم اتخاذ تدابير امنيتي جهت برقرار ساختن پايداري بيشتر و ايستايي زمين و يا در صورت دخالت بي برنامه موجبات ناپايداري بيشتر و خطرات ناشي از آن فراهم مي گردد.

بر اين اساس، با توجه به تجربه هاي شخصي، داوريهاي كارشناسي و با فرض :

$x \leq 4$ سكونتگاههاي روستايي فاقد بحران يا پايدار به لحاظ طبيعي.

$4 < x < 7$ سكونتگاههاي روستايي نيمه بحراني يا نيمه پايدار به لحاظ طبيعي.

$x \geq 7$ سكونتگاههاي روستايي بحراني يا ناپايدار به لحاظ طبيعي.

بر اساس جدول شمارة (٤) نقاط روستايي چم قلعه، چمن گلي، دهناش، تلورد، حسين آباد، كچوز، تبرك عليا، تبرك سفلي، تيك، دره باغ، فريك، آرته، بلند سفلي، طارم، خيركار و تپاسفلي در وضعيت پايدار و يا فقدان بحران، باغ چنار، شرمك، تركي، مهدي آباد، قلعه تبرك، كول سرخ، محمودآباد، مياندوهان سفلي، تشنوي، دورك سفلي، دورك عليا، كاركن عليا و لبد عليا در وضعيت نيمه پايدار يا نيمه بحراني و كاركن سفلي، نازي و مياندوهان عليا در شرايط بحراني يا ناپايدار به سر مي برند.

Archive of SID

www.SID.ir

جدول ٤ : اولويت بندي نقاط روستايي بحراني از ديدگاه طبيعي

نقاط روستايي	سيل ۰/۱۵		زمين‌لغزه۰/۲۷		ريزش‌كوه ۰/۲		زلزله ۰/۱۱		شيب ۰/۰۹		جمع امتياز
	ضريب اهميت		ضريب‌اهميت		ضريب اهميت		ضريب اهميت		ضريب اهميت		
	S	AHP	S	AHP	S	AHP	S	AHP	S	AHP	
چم قلعه	۲	۰/۳	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	۲	۰/۲۲	۸	۰/۷۲	۲/۱۸
چمن گلي	۲	۰/۳	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	۲	۰/۲۲	۸	۰/۷۲	۲/۱۸
دهناش	٥	۰/۷٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	٥	۰/۲٥	۲/٦۹
تلورد	٥	۰/۷٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۸	۰/۷۲	۲/۹٦
حسين آباد	٥	۰/۷٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۸	۰/۷۲	۲/۹٦
كچوز	۲	۰/۳	٥	۱/۳٥	۲	۰/٤	۲	۰/۲۲	۸	۰/۷۲	۲/۹۹
تبرك عليا	٥	۰/۷٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	۳/۱٤
تبرك سفلي	٥	۰/۷٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	۳/۱٤
تيك	٥	۰/۷٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	۳/۱٤
دره باغ	٥	۰/۷٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	۳/۱٤
فريك	۱۰	۱/٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	۳/۱٤
ارته	۱۰	۱/٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	۳/۱٤
لبد سفلي	۱۰	۱/٥	٥	۱/۳٥	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	۳/۱٤
طارم	۱۰	۱/٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۲	۰/۱۸	۳/۱۷
خيارکار	٥	۰/۷٥	٥	۱/۳٥	۲	۰/٤	۲	۰/۲۲	۱۰	۰/۹	۳/٦۲
تپاسفلي	۱۰	۱/٥	۲	۰/٥٤	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	۸	۰/۷۲	۳/۷۱
باغ چنار	۲	۰/۳	٥	۱/۳٥	٥	۱	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	٤/۱
شرمك	٥	۰/۷٥	۲	۰/٥٤	۱۰	۲	٥	۰/٥٥	٥	۰/٤٥	٤/۲۹
تركي	۲	۰/۳	۲	۰/٥٤	۱۰	۲	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	٤/۲۹
مهدي آباد	٥	۰/۷٥	٥	۱/۳٥	٥	۱	٥	۰/٥٥	۸	۰/۷۲	٤/۳۷
قلعه تبرك	٥	۰/۷٥	٥	۱/۳٥	٥	۱	٥	۰/٥٥	۸	۰/۷۲	٤/۳۷
كول سرخ	٥	۰/۷٥	٥	۱/۳٥	٥	۱	٥	۰/٥٥	۱۰	۰/۹	٤/٥٥
محمود آباد	۱۰	۱/٥	۱۰	۲/۷	۲	۰/٤	٥	۰/٥٥	٥	۰/٤٥	٥/٦
ميانده‌ان سفلي	۱۰	۱/٥	٥	۱/۳٥	٥	۱	۱۰	۱/۱	۱۰	۰/۹	٥/۸٥
تشنوي	۱۰	۱/٥	۲	۰/٥٤	۱۰	۲	۱۰	۱/۱	۸	۰/۷۲	٥/۸٦
دورك سفلي	۱۰	۱/٥	۱۰	۲/۷	٥	۱	٥	۰/٥٥	۲	۰/۱۸	٥/۹۳
دورك عليا	٥	۰/۷٥	۱۰	۲/۷	۱۰	۲	٥	۰/٥٥	۲	۰/۱۸	٦/۱۸
كاركن عليا	۲	۰/۳	۱۰	۲/۷	۱۰	۲	۱۰	۱/۱	٥	۰/٤٥	٦/٥٥
لبد عليا	۱۰	۱/٥	۱۰	۲/۷	۲	۰/٤	۱۰	۱/۱	۱۰	۰/۹	٦/٦
كاركن سفلي	۲	۰/۳	۱۰	۲/۷	۱۰	۲	۱۰	۱/۱	۱۰	۰/۹	۷
نازي	٥	۰/۷٥	۱۰	۲/۷	۱۰	۲	۱۰	۱/۱	۱۰	۰/۹	۷/٤٥
ميانده‌ان عليا	۱۰	۱/٥	۱۰	۲/۷	۱۰	۲	۱۰	۱/۱	۱۰	۰/۹	۸/۲

مأخذ: محاسبات نگارنده

Archive of SID

www.SID.ir

نقاط بحراني از ديدگاه اقتصادي

به اعتقاد نگارنده، بحرانهاي اقتصادي را مي توان مبناي پيدايش بحرانهاي اجتماعي و فرهنگي دانست، اين موضوع به ويژه در نقاط روستايي كشورمان كه بسياري از مشكلات آن ريشه در مسايل اقتصادي دارد از سنديت بيشتري برخوردار است.

با اين وجود به جهت ضعف آماري (فقدان آمار مستند و واقعي) در خصوص شاخصهاي اقتصادي مختلف در سطح منطقه، ناگزير با بهره گيري از دو شاخص نرخ بيكاري و سطح خدمات به اولويت‌بندي بحرانهاي اقتصادي مبادرت شده است، تحليل شاخصهاي فوق به نوعي توان اقتصادي كانونهاي روستايي را نيز نشان مي دهد و گوياي اين واقعيت است كه سكونتگاههاي بحراني از اين حيث نقش ناچيزي در عملكرد كلي منطقه ايفا مي كنند، تداوم سياست قطب گرايي در رشد، روابط نامتعادل شهر و روستا، فقدان سرمايه گذاري لازم در مناطق روستايي به دليل عدم انگيزه و يا به بهانه فقدان صرفه اقتصادي و در نهايت ضعف زير ساختهاي اقتصادي- اجتماعي در حوزه هاي روستايي كشورمان از جمله دهستان بازفت از جمله عوامل بحران زايي است كه نرخ بالاي بيكاري را به دليل كمبود يا فقدان مراكز خدماتي و صنعتي لازم، عدم حمايت از توليد كننده روستايي و ... را موجب شده است، امري كه نتيجه آن در قالب بحرانهايي همچون مهاجرفرستي گسترده، خالي از سكنه شدن بسياري از نقاط روستايي طي سالهاي گذشته و هجوم به سوي مراكز شهري و سرانجام اتلاف منابع آب و خاك، تبديل توليد كننده روستايي به مصرف كننده شهري و ... آشكار مي گردد (غفاري، ١٣٨١: ٥٧).

با اين مقدمه و با توجه به تجربه هاي شخصي، داوريهاي كارشناسي و با فرض اينكه:

$X \leq 0/3$ سكونتگاههاي روستايي فاقد بحران يا پايدار به لحاظ اقتصادي.

$0/3 < X < 0/4$ سكونتگاههاي روستايي نيمه بحراني يا نيمه پايدار به لحاظ اقتصادي.

$X \geq 0/4$ سكونتگاههاي روستايي بحراني يا ناپايدار به لحاظ اقتصادي.

باشد، نقاط روستايي چم قلعه، چمن گلي، تلورد، ارته، لبد سفلي، دورك عليا و طارم نقاط پايدار و بدون بحران، نقاط روستايي دهناش، فريك، محمودآباد، مياندوهان سفلي، تبرك سفلي، تبرك عليا، دورك عليا و كاركن عليا، كانونهاي روستايي نيمه بحراني يا نيمه پايدار و نقاط روستايي حسين آباد، كچوز، تيك، دره باغ، باغ چنار، تپاسفلي، خيازكار، مهدي آباد، شرمك، كول سرخ، تشنوي، لبد عليا، كاركن سفلي، مياندوهان عليا، نازي، تركي و قلعه تبرك كانونهاي ناپايدار و بحراني مي باشند.

Archive of SID

www.SID.ir

جدول ۵ : اولويت بندي نقاط روستايي بحراني از ديدگاه اقتصادي

نقاط روستايي	نرخ بيكاري ۰/۰۷		خدمات ۰/۰۲		جمع امتياز نهايي
	ضريب اهميت		ضريب اهميت		
	S	AHP	S	AHP	
چم قلعه	۲	۰/۱٤	۰/۰۰۲	۰/۱	۰/۱٤۲
چمن گلي	۲	۰/۱٤	۰/۰۰۲	۰/۱	۰/۱٤۲
تلورد	۲	۰/۱٤	۰/۰۲	۱	۰/۱٦
ارته	۲	۰/۱٤	۰/۰۸	٤	۰/۲۲
لبد سفلي	۲	۰/۱٤	۰/۰۸	٤	۰/۲۲
دورك عليا	۲	۰/۱٤	۰/۰۸	٤	۰/۲۲
طارم	۲	۰/۱٤	۰/۱٤	۷	۰/۲۸
دهناش	٤	۰/۲۸	۰/۰۲	۱	۰/۳
فريك	۲	۰/۱٤	۰/۲	۱۰	۰/۳٤
محمودآباد	۲	۰/۱٤	۰/۲	۱۰	۰/۳٤
ميانده‌ان سفلي	۲	۰/۱٤	۰/۰۸	۱۰	۰/۳٤
تبرك سفلي	٤	۰/۲۸	۰/۰۸	٤	۰/۳٦
تبرك عليا	٤	۰/۲۸	۰/۰۸	٤	۰/۳٦
دورك عليا	٤	۰/۲۸	۰/۰۸	٤	۰/۳٦
كاركن عليا	٤	۰/۲۸	۰/۰۸	٤	۰/۳٦
حسين آباد	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
كچوز	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
تيك	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
دره باغ	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
باغ چنار	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
تپاسفلي	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
خيارکار	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
مهدي آباد	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
شرمك	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
كول سرخ	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
تشنوي	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
لبد عليا	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
كاركن سفلي	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
ميانده‌ان عليا	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
نازي	٤	۰/۲۸	۰/۱٤	۷	۰/٤۲
تركي	٤	۰/۲۸	۰/۲	۱۰	۰/٤۸
قلعه تبرك	٤	۰/۲۸	۰/۲	۱۰	۰/٤۸

مأخذ: محاسبات نگارنده

Archive of SID

www.SID.ir

نقاط بحراني از ديدگاه اجتماعي

هرچند شناسايي كامل ابعاد اجتماعي و مسايل مبتلا به آن در جوامع به ويژه روستايي به لحاظ پيچيدگي موضوع و ماهيت آن كار چندان ساده اي نيست. به گونه اي كه بافت عشايري حاكم بر منطقه گاه با ادغام در جامعه روستايي و گاه در حاشيه قرار گرفتن اين جامعه بر پيچيدگي اين مسأله مي افزايد و تحليل در اين سطح از بررسي را با مشكلات فراواني روبرو مي نمايد.

اما با اين وجود و درميان شاخصهاي گوناگون اجتماعي كه هر يك به نوعي مي توانند گوياي عقب ماندگي و ميزان بحراني بودن نقاط روستايي باشند، سه سنجه جمعيت، نرخ رشد و سواد، به عنوان معيارهاي اجتماعي بحران منظور شده است. در واقع مهاجرفرستي، نرخ رشد منفي جمعيت و نيز بيسوادي كه خود معلولي از فقر اقتصادي- فرهنگي مي باشد، بعنوان مصاديقي از بحرانهاي اجتماعي مطرح مي شود، به گونه اي كه نقاط روستايي برخودار از جمعيت بيشتر، نرخ رشد مثبت و ميزان باسوادي بالاتر، از پايداري افزونتري يا (بحران كمتري) در مقايسه با ساير نقاط برخودار مي باشند. و جايگاه سلسله مراتبي هر يك از نقاط در اين مقوله از بحران به كمك روش (AHP) مشخص مي گردد.

بنابراين با توجه به تجربه هاي شخصي، داوريهاي كارشناسي و با فرض اينكه :

$X \leq 0/4$ سكونتگاههاي روستايي فاقد بحران يا پايدار به لحاظ اجتماعي.

$0/4 < x < 0/7$ سكونتگاههاي روستايي نيمه بحراني يا نيمه پايدار به لحاظ اجتماعي.

$x \geq 0/7$ سكونتگاههاي روستايي بحراني يا ناپايدار به لحاظ اجتماعي.

باشد، همانگونه كه از جدول شماره (٦) نيز پيداست؛ سكونتگاههاي روستايي چم قلعه، چمن گلي، تلورد، مياندوهان عليا، تبرك سفلي، كاركن عليا و دورك سفلي، كانونهاي پايدار و فاقد بحران، سكونتگاههاي دهناش، حسين آباد، تبرك عليا، فريك، طارم، لبد سفلي، مهدي آباد، مياندوهان سفلي، قلعه تبرك، كول سرخ، تركي، لبه عليا و باغ چنار، كانونهاي نيمه بحراني يا نيمه پايدار و سكونتگاههاي تيك، شرمك، دره باغ، محمودآباد، آرته، كجوز، دورك عليا، تپاسفلي، تشنوي، كاركن سفلي، خيركار و نازي، كانونهاي بحراني يا ناپايدار مي باشند.

Archive of SID

www.SID.ir

جدول ٦ : اولويت بندي نقاط بحراني دهستان بازفت از ديدگاه اجتماعي

نقاط روستايي	جمعيت ۰/۰۵		نرخ رشد ۰/۰۳		سواد ۰/۰۲		جمع امتياز نهايي
	ضريب اهميت		ضريب اهميت		ضريب اهميت		
	S	AHP	S	AHP	S	AHP	
چم قلعه	١	۰/۰۵	١	۰/۰۳	٦	۰/۱۲	۰/۲
چمن گلي	٣	۰/۱۵	١	۰/۰۳	٤	۰/۰۸	۰/۲٦
تلورد	٣	۰/۱۵	١	۰/۰۳	٦	۰/۱۲	۰/۳
مياندوهان عليا	۵	۰/۲۵	١	۰/۰۳	٤	۰/۰۸	۰/۳٦
تبرك سفلي	٣	۰/۱۵	١	۰/۰۳	١۰	۰/۲	۰/۳۸
كاركن عليا	٣	۰/۱۵	١	۰/۰۳	١۰	۰/۲	۰/۳۸
دورك سفلي	۵	۰/۲۵	١	۰/۰۳	٦	۰/۱۲	۰/٤
دهناش	۵	۰/۲۵	٣	۰/۰۹	٤	۰/۰۸	۰/٤۲
حسين آباد	۵	۰/۲۵	١	۰/۰۳	٨	۰/۱٦	۰/٤٤
تبرك عليا	۵	۰/۲۵	١	۰/۰۳	٨	۰/۱٦	۰/٤٤
فريك	۵	۰/۲۵	١	۰/۰۳	٨	۰/۱٦	۰/٤٤
طارم	۵	۰/۲۵	٣	۰/۰۹	٨	۰/۱٦	۰/۵
لبد سفلي	٨	۰/٤	٣	۰/۰۹	٤	۰/۰۸	۰/۵۷
مهدي آباد	٨	۰/٤	١	۰/۰۳	٨	۰/۱٦	۰/۵۹
مياندوهان سفلي	٨	۰/٤	١	۰/۰۳	٨	۰/۱٦	۰/۵۹
قلعه تبرك	٨	۰/٤	٣	۰/۰۹	٨	۰/۱٦	۰/٦۵
كول سرخ	۵	۰/۲۵	٨	۰/۲٤	٨	۰/۱٦	۰/٦۵
تركي	٨	۰/٤	٣	۰/۰۹	٨	۰/۱٦	۰/٦۵
لبد عليا	۵	۰/۲۵	٨	۰/۲٤	٨	۰/۱٦	۰/٦۵
باغ چنار	۵	۰/۲۵	٨	۰/۲٤	١۰	۰/۲	۰/٦۹
تيك	٨	۰/٤	٦	۰/۱۸	٦	۰/۱۲	۰/۷
شرمك	٨	۰/٤	٨	۰/۲٤	٤	۰/۰۸	۰/۷۲
دره باغ	٨	۰/٤	٦	۰/۱۸	٨	۰/۱٦	۰/۷٤
محمودآباد	٨	۰/٤	٦	۰/۲٤	٨	۰/۱٦	۰/۷٤
ارته	۵	۰/۲۵	١۰	۰/۳	١۰	۰/۲	۰/۷۵
كچوز	٨	۰/٤	٨	۰/۲٤	٦	۰/۱۲	۰/۷٦
دورك عليا	٨	۰/٤	٦	۰/۱۸	١۰	۰/۲	۰/۷۸
تپاسفلي	٨	۰/٤	١۰	۰/۳	٦	۰/۱۲	۰/۸۲
تشوي	١۰	۰/۵	١۰	۰/۳	٤	۰/۰۸	۰/۸۸
كاركن سفلي	٨	۰/٤	١۰	۰/۳	١۰	۰/۲	۰/۹
خيارکار	١۰	۰/۵	١۰	۰/۳	١۰	۰/۲	١
نازي	١۰	۰/۵	١۰	۰/۳	١۰	۰/۲	١

مأخذ: محاسبات نگارنده

Archive of SID

www.SID.ir

اولويت بندي كانونهاي زيستي بحراني از ديدگاه كلي

در اين مرحله از فرآيند تحليلي سلسله مراتب در صورتي كه مجموع امتيازات نهايي حاصل از هر مرحله از ابعاد اقتصادي ـ اجتماعي و طبيعي را در خصوص هر يك از نقاط روستايي منطقه محاسبه كنيم، جايگاه و اولويت بحران در هر يك مشخص مي گردد. بر اين اساس همانگونه كه از جداول شماره (٧) و (٨) پيداست، به كمك تجربه هاي شخصي، داوريهاي كارشناسي و با فرض :

$X \leq 4/$ سكونتگاههاي روستايي فاقد بحران يا پايدار.

$4 < x < 7$ سكونتگاههاي روستايي نيمه بحراني يا نيمه پايدار.

$x \geq 7$ سكونتگاههاي روستايي بحراني يا ناپايدار.

نقاط روستايي، چم قلعه، چمن گلي، دهناش، تلورد، حسين آباد، تبرك سفلي، فريك، لبد سفلي، تبرك عليا و طارم بدون بحران و پايدار مي باشند. آرته،كچوز، تيك، دره باغ، تپاسفلي، خياركار، باغ چنار، مهدي آباد، تركي، شرمك، قلعه تبرك، كول سرخ، محمودآباد، دورك سفلي و مياندوهان سفلي، ولبد عليا در شرايط نيمه بحراني يا نيمه پايدار و نقاط روستايي تشنوي، دورك عليا، كاركن عليا، كاركن سفلي، نازي ومياندوهان عليا كانونهاي بحراني و ناپايدار منطقه مي باشند.

جدول ٧ : اولويت بندي نقاط روستايي به لحاظ بحران (ميزان ناپايداري)

پايدار (بدون بحران)		نيمه پايدار (نيمه بحراني)		ناپايدار (بحراني)	
نقطه‌روستايي	جمع‌امتيازنهايي	نقطه‌روستايي	جمع‌امتيازنهايي	نقطه‌روستايي	جمع‌امتيازنهايي
چم قلعه	٢/٥٢	آرته	٤/١١	تشنوي	٧/١٦
چمن گلي	٢/٥٨	كچوز	٤/١٧	دورك عليا	٧/١٨
دهناش	٣/٤١	تيك	٤/٢٦	كاركن عليا	٧/٢٩
تلورد	٣/٤٢	دره باغ	٤/٣٠	كاركن سفلي	٨/٣٢
حسين آباد	٣/٨٢	تپاسفلي	٤/٩٥	نازي	٨/٨٧
تبرك سفلي	٣/٨٨	خياركار	٥/٠٤	مياندوهان عليا	٨/٩٨
فريك	٣/٩٢	باغ چنار	٥/٢١		
لبد سفلي	٣/٩٣	مهدي آباد	٥/٣٨		
تبرك عليا	٣/٩٤	تركي	٥/٤٢		
طارم	٣/٩٥	شرمك	٥/٤٣		
		قلعه تبرك	٥/٥٠		
		كول سرخ	٥/٦٢		
		محمودآباد	٦/٦٨		
		دورك سفلي	٦/٦٩		
		مياندوهان‌سفلي	٦/٧٨		
		لبد عليا	٦/٦		

مأخذ: محاسبات نگارنده

Archive of SID

www.SID.ir

جدول ۸ : سطح بحران در منطقه، از نگاهي كلي

ردیف	سطح و نوع بحران / نام روستا	بدون بحران (پایدار)			نیمه بحراني (نیمه پایدار)			بحراني (ناپایدار)			از دیدگاه كلي		
		طبیعي	اقتصادي	اجتماعي	طبیعي	اقتصادي	اجتماعي	طبیعي	اقتصادي	اجتماعي	پایدار	نیمه‌پایدار	ناپایدار
۱	چم قلعه	*	*	*							*		
۲	چمن گلي	*	*	*							*		
۳	دهناش	*				*	*				*		
٤	تلورد	*	*	*							*		
٥	حسين اباد	*					*		*		*		
٦	كچوز	*							*	*		*	
۷	تبرك عليا	*		*		*	*				*		
۸	تبرك سفلي	*		*		*				*	*		
۹	تيك	*							*	*		*	
۱۰	دره باغ	*							*			*	
۱۱	فريك	*				*	*			*	*		
۱۲	ارته	*	*									*	
۱۳	لبه سفلي	*	*				*				*		
۱٤	طارم	*	*				*				*		
۱٥	خيركار	*							*	*		*	
۱٦	تپاسفلي	*							*	*		*	
۱۷	باغ چنار				*		*		*			*	
۱۸	شرمك				*				*	*		*	
۱۹	تركي				*		*		*			*	
۲۰	مهدي اباد				*		*		*			*	
۲۱	قلعه تبرك				*		*		*			*	
۲۲	كول سرخ				*		*		*			*	
۲۳	محمودآباد				*	*				*		*	
۲٤	ميانده‌ان سفلي				*	*	*					*	
۲٥	تشنوي				*				*	*			*
۲٦	دورك سفلي		*		*				*			*	
۲۷	دورك عليا			*	*	*				*			*
۲۸	كاركن عليا		*		*	*							*
۲۹	لبه عليا						*	*	*			*	
۳۰	كاركن سفلي							*	*	*		*	*
۳۱	نازي							*	*	*			*
۳۲	ميانده‌ان عليا			*				*	*				*

مأخذ: نگارنده

Archive of SID

www.SID.ir

نتيجه گيري، اثبات فرضيات و ارايه پيشنهادات

با توجه به نتايج حاصل از اولويت بندي صورت گرفته در روش AHP، با سه گروه از نقاط يا كانونهاي زيستي با سطوحي متفاوت ازبحران مواجه مي باشيم

الف)كانونهايي كه در ارزيابي نهايي (جداول شماره٧ و٨) در وضعيت پايدار يا بدون بحران قرار مي گيرند (١٠ روستا يا ٣١/٢٥ درصد از كل نقاط مورد مطالعه).در اين بين تنها نقاط روستايي چم قلعه، چمن گلي وتلورد با پايداري مطلق در ابعاد سه گانه طبيعي- اقتصادي و اجتماعي مواجه مي باشند، ساير نقاط اين گروه در يكي از ابعاد اقتصادي- اجتماعي و يا در هر دو با وضعيتي نيمه پايدار يا (نيمه بحراني) مواجهند. اين مساله نه تنها تاييدي بر فرضيه اول و سوم (الف و ج) اين مقاله مي باشد، بلكه لزوم تهيه و اجراي برنامه هاي بخشي و ميان بخشي را جهت رفع كاستيها، و نارساييهاي موجود در ابعاد اقتصادي-اجتماعي تا رسيدن به سطوح بالايي از پايداري(عدم بحران) در آنها توجيه مي نمايد، ضمن اينكه بستر طبيعي پايدار، زير ساخت مناسبي را بدين منظور فراهم مي سازد.

ب)كانونهايي كه در ارزيابي نهايي در وضعيت نيمه پايدار (نيمه بحراني) قرار مي گيرند (١٦روستا يا ٥٠ درصد از نقاط روستايي مورد مطالعه)، اين نتيجه نه تنها اثباتي بر فرضيه چهارم (د) اين مقاله مي باشد، بلكه با در نظر گرفتن ظرافتي كه در ويژگيهاي محيطهاي نيمه پايدار وجود دارد، اگر دخالت انسان[يا هر عامل تاثير گذار ديگري] بدون آگاهي از مكانيسم پديده ها و بدون اطلاع از ظرافت ياد شده صورت بگيرد در بعد طبيعي منجر به تخريب و ناپايداري فاجعه بار(رجايي، ١٣٧٣: ٣) و در ابعاد اقتصادي-اجتماعي موجب تشديد فقر، بيكاري، بي سوادي، مهاجرت و... و ظهور و بروز ناپايداري (بحران) مي گردد.

Archive of SID

www.SID.ir

٦ روستا از مجموعه نقاطي كه در نتيجه نهايي به عنوان كانونهاي نيمه پايدار شناخته شده اند، به لحاظ طبيعي بر بستري پايدار يا فاقد بحران استقرار يافته اند و يك روستا از مقرّي نا پايدار يا بحراني برخوردار است. در بعد اقتصادي نيز يك روستا در وضعيت پايدار، ٢ روستا نيمه پايدار و ١٣ روستا ناپايدار يا بحراني مي باشند و نهايتا اينكه از منظر اجتماعي از ١٦ روستاي مورد نظر يك روستا با پايداري يا عدم بحران ٧ روستا با نيمه پايداري و ٦ روستا با بحران يا نا پايداري مواجه مي باشد. اتخاذ تدابيري به منظور بهبود شاخصهاي مربوط به بخشهاي بحراني و نيمه بحراني به منظور رسيدن به سطحي متعادل و پايدار از توسعه در يك برنامه ريزي كوتاه، ميان و بلنـد مدت از پيشنهادات مورد نظر جهت اين قبيل كانونها مي باشد.

ج) سكونتگاههاي روستايي خاصي كه نتيجه حاصل از تحليل شاخصها، وضعيت بحراني يا ناپايدار آنها را نشان مي دهد، در بين اين گروه كه تنها ٦ روستاي منطقه يا ١٩/١ درصد از نقاط روستايي مورد مطالعه را تشكيل مي دهند، دو روستاي كاركن سفلي و نازي در بحران مطلق(در ابعاد سه گانه) به سر مي برند، از منظر طبيعي ٣ روستا بر بستري ناپايدار(بحراني) و ٣ روستا نيز بر بستري نيمه پايدار(نيمه بحراني) مستقر مي باشند.

از لحاظ اقتصادي نيز در بين نقاط ناپايدار، ٤ روستا ناپايدار، ٢ روستا نيمه پايدار و يك روستا پايدار يا بدون بحران مي باشد. سرانجام اينكه در بعد اجتماعي از بين نقاط روستايي ناپايدار (بحراني) ٢ روستا در شرايطي پايدار (بدون بحران) به سر مي برند. نقاط روستايي ناپايدار يا بحراني در نواحي ناهموار، دره هاي كوچك ميانكوهي و نواحي منزوي جغرافيايي استقرار يافته اند، كه به لحاظ ويژگي هاي محيطي از محدوديتهاي شديدي همانند ناهمواري و شيب زياد، فرسايش شديد خاك، تخريب مراتع و جنگلها، محدوديت منابع آب، پراكندگي و كوچك بودن قطعات زراعي و.... رنج مي برند.

Archive of SID

www.SID.ir

لذا در اين قبيل كانونها به ويژه سكونتگاههايي كه به جهت وضعيت استقرار طبيعي در شرايطي ناپايدار بحراني مي باشند، احتمال بروز تلفات جاني و مالي ناشي از وقوع سوانح و حوادث طبيعي همچون زلزله، سيل، ريزش كوه و زمين لغزه تشديد مي گردد، بر اين اساس به نظر مي رسد گريزي جز از انجام مطالعات لازم و فراهم سازي مقدمات تهيه طرحهاي جابجايي، ادغام و تجميع نباشد. هر چند كه ساير كانونهاي مشمول اين سطح از بحران، از توجيه اقتصادي-اجتماعي چنداني براي ادامه استقرار در وضعيت فعلي برخوردار نمي باشند.

در پايان اين مبحث و در اثبات فرضيه دوم (ب) اين مقاله بايد خاطر نشان ساخت كه از مجموع ٣٢ كانون زيستي مورد مطالعه، در مجموع ٢٦ كانون به لحاظ اقتصادي در شرايطي بحراني و نيمه بحراني(١٨ كانون بحراني و ٨ كانون نيمه بحراني) به سر مي برند، اين رقم كه ٨١/٢٥ درصد از كل نقاط روستايي مورد مطالعه را شامل مي شود، گوياي بي توجهي صورت گرفته به وضعيت اقتصادي منطقه جهت ارتقا شاخصهاي مرتبط طي ساليان گذشته مي باشد. لذا با عنايت به اينكه معضلات اقتصادي نقش مؤثري در ظهور و بروز معضلات و بحرانهاي اجتماعي- فرهنگي بازي مي‌كند، مديريت بخشي بحران در اين مقوله، در كنار مديريت فرابخشي و جامع توسعه، ضرورتي، اجتناب ناپذير مي يابد، همانطور كه در حال حاضر و طبق جدول شماره (٨) از بين ١٨ نقطه روستايي بحراني (به لحاظ اقتصادي) ٨ روستا يا ٤٤/٥ در صد از آنها در بحران اجتماعي نيز گرفتار مي باشند و همچنين از بين ٨ نقطه روستايي نيمه بحراني در بعد مذكور ٤ روستا يا ٥٠ درصد آنها با وضعيتي نيمه بحراني در بعد اجتماعي نيز مواجه مي باشند.

Archive of SID

www.SID.ir

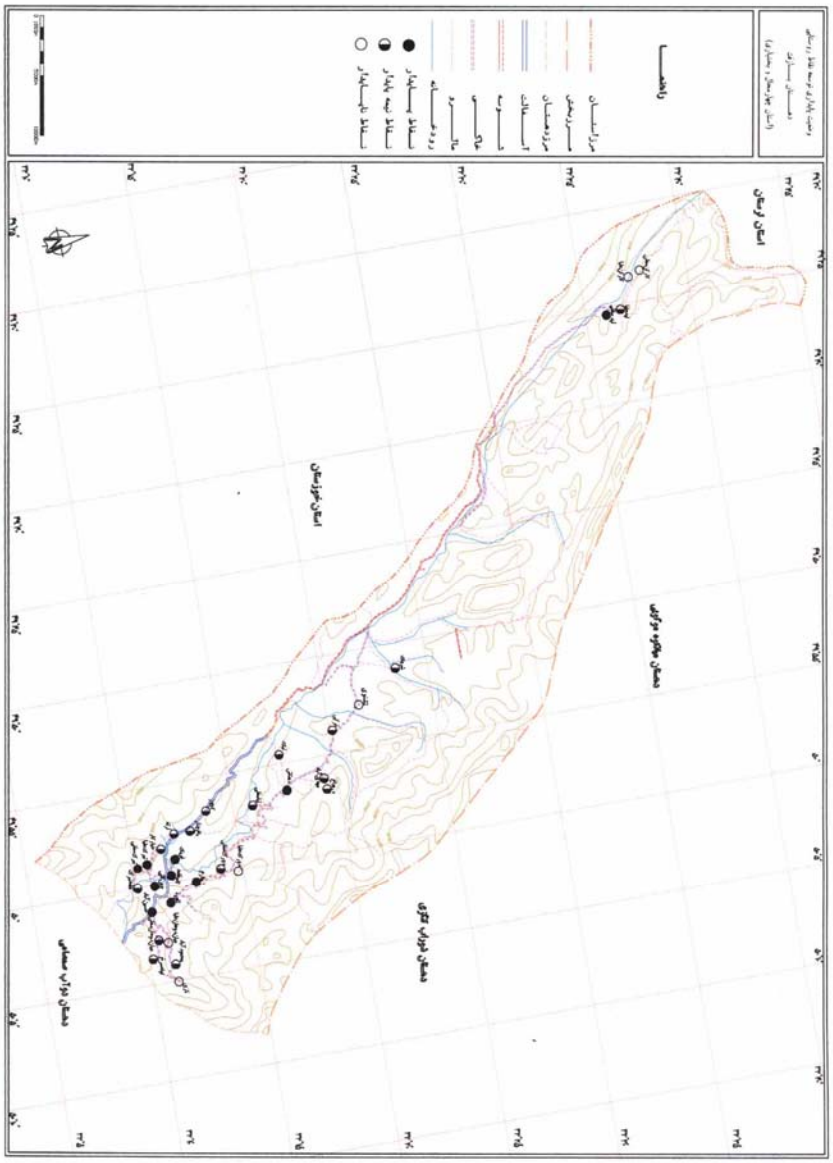

www.SID.ir

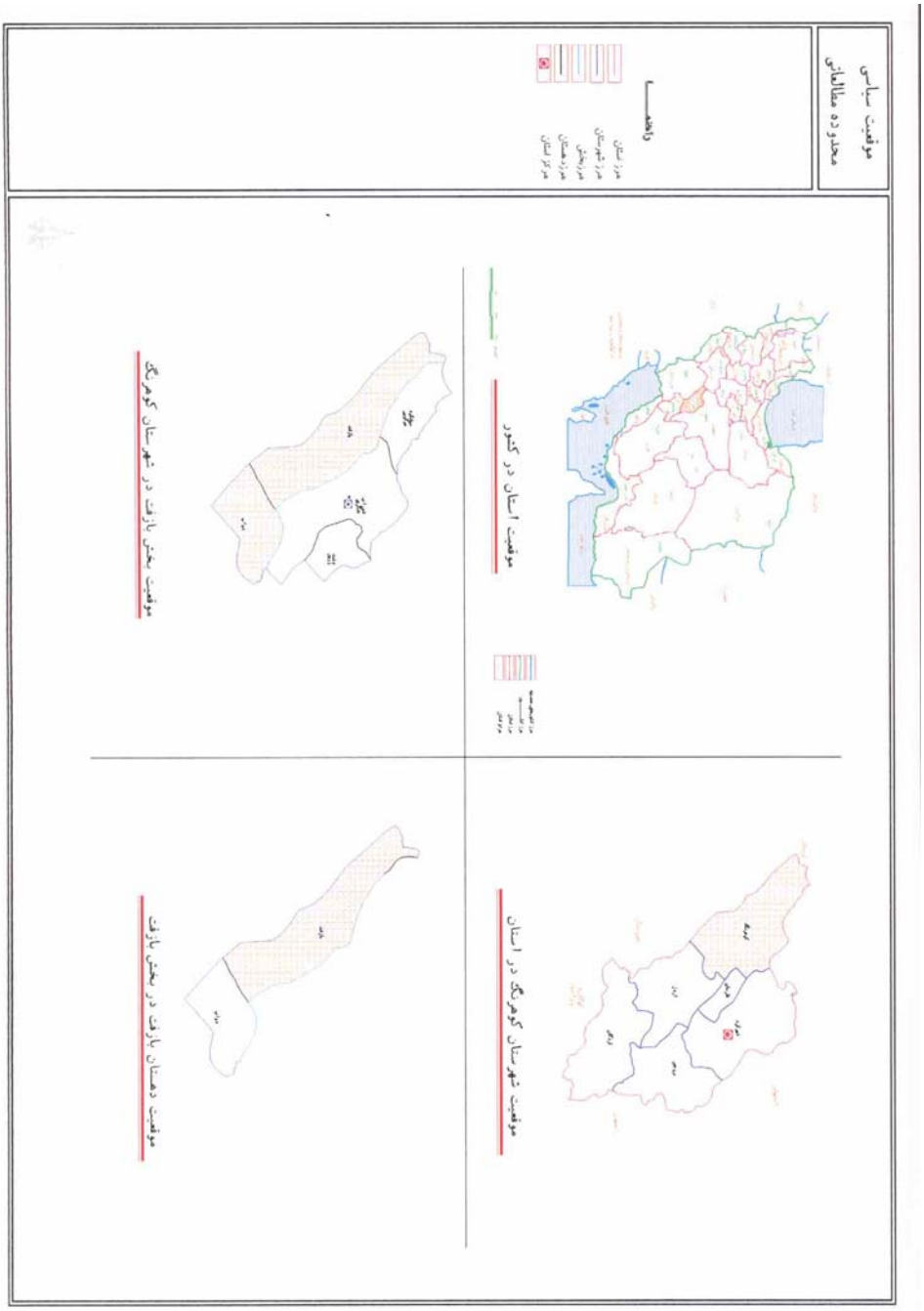
موقعیت سیاسی
محدوده مطالعاتی
راهنما
مرز استان
مرز شهرستان
مرز بخش
مرز دهستان
مرکز استان
موقعیت استان در کشور
موقعیت بخش بازفت در شهرستان کوهرنگ
موقعیت شهرستان کوهرنگ در استان
موقعیت دهستان بازفت در بخش بازفت

www.SID.ir

منابع

۱ـ احمدي، منصور، روش AHP و كاربرد آن در ارزيابي عملكرد دستگاههاي اجرايي بر اساس فعاليت عمراني، *فصلنامه انديشه و برنامه ريزي*، شمارة پائيز و زمستان، ۱۳۸۰.

۲ـ بيرو، آلن، *فرهنگ علوم اجتماعي*، ترجمه دكتر باقر ساروخاني، انتشارات كيهان، تهران، ۱۳۷۵.

۳ـ جان ليتل و رابرت اف، *مديريت بحران يك روي آورد گروهي* ، ترجمه دكتر محمد علي علوي، مركز آموزش مديريت دولتي، تهران (منتشر نشده)، ۱۳۷٦.

٤ـ دولفوس، اوليويه، *تحليل جغرافيايي* ، ترجمه دكتر سيروس سهامي، نشر نيكا، مشهد،۱۳۷۳.

۵ـ رجايي، عبدالمجيد، *كاربرد ژئومورفولوژي در آمايش سرزمين و مديريت محيط*، نشر قوس، تهران، ۱۳۷۳.

٦ـ سعيدي، عباس و همكاران، *شيوه هاي سكونت گزيني و گونه هاي مساكن روستايي*، انتشارات بنياد مسكن انقلاب اسلامي (مركز مطالعات مقابله با سوانح طبيعي ايران)، تهران، ۱۳۷۵.

۷ـ سازمان زمين شناسي ايران، *نقشه زمين شناسي چهارگوش شهركرد در مقياس۱:۲۵۰۰۰۰* .

۸ـ سازمان مديريت و برنامه ريزي استان چهارمحال و بختياري، *طرح مطالعات جامعه عشايري، شهركرد*،۱۳٦۹.

۹ـ سازمان مديريت و برنامه ريزي استان چهارمحال و بختياري، *گزارش اقتصادي- اجتماعي استان در سال ۱۳۸۰* ، انتشارات سازمان مديريت و برنامه ريزي استان چهارمحال و بختياري، شهركرد، ۱۳۸۰.

۱۰ـ غفاري، سيد رامين، *ساماندهي نظام فضايي سكونتگاههاي روستايي دهستان بازفت*، پايان نامه كارشناسي ارشد دانشگاه اصفهان، دانشكده ادبيات و علوم انساني، گروه جغرافيا، ۱۳۷۹.

۱۱ـ غفاري، سيد رامين، موانع و عوامل توسعه روستايي در ايران ، *فصلنامه علمي- پژوهشي مسكن و انقلاب*، شماره ۱۰۰، بنياد مسكن انقلاب اسلامي، تهران، ۱۳۸۱.

۱۲ـ مهندسين مشاور هامون، *طرح جامع استان چهار محال و بختياري(جلد هوا و اقليم)*، سازمان مديريت و برنامه ريزي استان، شهركرد، ۱۳٦٦.

Archive of SID

www.SID.ir

١٣ـ مهندسين مشاور زيستا، *فرايند تحليلي سلسله مراتب(AHP)*، واحد تحقيق و ترجمه، مقاله شماره ٢٤، تهران، ١٣٧٣.
١٤ـ مهندسين مشاور يكم، *مطالعات جامع احياء و توسعه كشاورزي و منابع طبيعي حوضه آبخيز شمالي كارون*، جلد سوم، وزارت كشاورزي، معاونت طرح و برنامه. تهران، ١٣٦٧.
١٥ـ مركز آمار ايران؛ *شناسنامه آبادي هاي استان چهارمحال و بختياري*، شهرستان فارسان، نتايج سرشماري عمومي نفوس و مسكن، ١٣٧٥.
١٦ـ مركز آمار ايران، *نتايج تفصيلي سرشماري مرحله دوم عشايري*، ١٣٦٦.
١٧ـ مقدسي، جلال، *مديريت در زمان بحران*، جزوه آموزشي مركز آموزش مديريت دولتي، دوره مديريت عالي، تهران (منتشر نشده)، ١٣٦٧.

18. Richard , E-Klosterman and others;1993, *spread sheet models for urban and Regional analysis*; New jersey university.

Archive of SID

www.SID.ir

Archive of SID

www.SID.ir